

عنوان مقاله:

انگیزه‌های مزمن مهاجرت

نویسنده:

پیام پورجاماسب

جهت آرایه در:

همایش مهاجرت

انجمن یانشوران مانتره

یزد- پاییز ۱۳۸۶

کلید واژه:

● مقدمه

● بررسی انگیزه‌های بیرونی

● انگیزه‌های درونی

● منشأ رفتار

● نتیجه‌گیری

● راه‌حل

انگیزه های مزمن مهاجرت

درود بر شما همکیشان گرامی و برگزار کنندگان ارجمند که در این همایش گردهم آمدید تا با هم به بررسی و بازساخت یکی از مشکلات جامعه کنونی زرتشتیان یعنی مهاجرت نگاهی دقیق تر داشته باشیم. به راستی موضوع مهاجرت یکی از عمیق ترین و کاربردی ترین موضوعات روز در بررسی نظام اجتماعی تمامی جوامع از جمله جامعه زرتشتیان ایران است.

بسیاری از دلسوزان و شیفتگان این جامعه که دستی نیز در کارهای اجتماعی دارند نام بحران را بر این روند گذارده اند و معتقدند که جامعه زرتشتی در مواجهه با موضوع مهاجرت با یک بحران روبرو است. در باور ایشان اگر همین روند ادامه پیدا کند و هر چند ماه یکبار عده ای از جوانان و خانواده های زرتشتی رای به ترک این سرزمین بدهند، دیگر امیدی به برقراری جامعه زرتشتی و کوشندگی افراد در بهسازی آن نخواهد بود.

باری، در این مقاله کوشش کرده ام تا در دو وجه بیرونی و درونی به موضوع مهاجرت نگاه کنم. چراکه ایمان دارم آنچه که امروز به عنوان مهاجرت و ترک وطن توسط بسیاری از همکیشان صورت می پذیرد نه تنها از عوامل خارجی بهره می پذیرد بلکه نشانه های فراوانی از شکاف های اجتماعی خودمان نیز دارد.

آنچه که در انگیزه های بیرونی به آن اشاره کردم نحوه مهاجرت و انگیزه های رفتن به امریکا به عنوان مهمترین پایگاه اقدام اشخاص در رفتن به کشوری دیگر است.

اما در جنبه درونی با نگاهی به جامعه خودمان به بررسی موضوعی می پردازم که شاید کمتر مورد توجه قرار گرفته باشد و آن هم انگیزه مزمن مهاجرت در هر فرد است که امروزه به سبب انتشار عمومی تقویت شده و شکل ویژه ای بخود گرفته است. در بیان طرح های بیرونی و درونی تنها از نقطه نظر خود فرد به موضوع نگاه کرده ام و شرایط محیطی را به عمد در نظر نگرفتم.

به این نکته نیز اشاره می کنم که سیر مهاجرت ایرانیان بخصوص زرتشتیان در قالب پناهندگی و یا به روش های دیگر اکثرا به سوی امریکاست و از همین روی نام این کشور به عنوان دربرگیرنده ترین کشور برده می شود.

نخست: بررسی انگیزه های بیرونی:

آنچه که امروزه از پدیده مهاجرت به نظر می رسد رفتن به امریکا از طریق پناهندگی مذهبی است. بنابر قوانین امریکا سه نوع پناهندگی به هم نوعان مختلف در سراسر جهان داده می شود. که شامل پناهندگی های مذهبی، سیاسی و اجتماعی است. که در کشورهای مختلف بر حسب شرایط متفاوت است. برای نمونه در کشورهای آفریقایی که درگیر جنگ های داخلی و گروه های مسلح هستند، صدور پناهندگی اجتماعی بیشتر از موارد دیگر است. اما در کشورهای خاورمیانه به دلیل نظام های حاکم بر جامعه پناهندگی مذهبی مهمترین عامل اقدام افراد است. هرچند که به دلیل حضور نظام های دیکتاتور و سلطه گر در تمام جهان و اجازه نداشتن افراد در بیان آزادانه نظرات خود پناهندگی سیاسی نیز وجود دارد.

بهرحال از آنجا که برای نتیجه‌گیری در مورد وضعیت خود مهاجر نیازمند شناخت کامل عملکرد وی هستیم، در اینجا به آنچه که در اقدام برای مهاجرت است اشاره کوتاهی می‌کنم.

زمانی که یک فرد یا یک خانواده تصمیم برای رفتن از ایران می‌گیرند در ابتدا نیازمند حمایت یک فرد یا یک خانواده در کشور مقصد، آمریکا، است. یعنی شخص ساکن در آمریکا باید به عنوان تضمین‌کننده مالی فرد قدم بردارد. آن شخص مدارک مورد نیاز فرد را از حمل و نقل دهندگان این کار که عمدتاً شرکت «هایاس» است می‌پرسد و موارد را به فرد درخواست‌کننده اعلام می‌کند. کپی تمامی رویه‌های پاسپورت، کپی لاتین کارت‌شناسایی انجمن زرتشتیان، ترجمه سند ازدواج پدر و مادر شخص، ترجمه شناسنامه فرد و نیز درخواست شخص برای خروج از ایران موارد لازم در جهت اقدام اولیه شخص است.

فرد زرتشتی درحالی درخواست خود را برای مهاجرت می‌نویسد که انگیزه اصلی وی تکمیل دوره‌های تحصیل خود و یا کار کردن به منظور تشکیل یک زندگی تازه است. او تنها به همین موارد فکر می‌کند و به آینده‌ی اقدامش و احیاناً تاثیر روند مهاجرتش نمی‌اندیشد.

بر اساس آن‌چیز که در زیر نام پناهندگی عنوان می‌شود شخص بایستی ابراز دارد که از ویژگی‌های یک شهروند معمولی بهره‌مند نیست. وی بایستی اعلام کند که وضعیت زندگی شخصی و اجتماعی‌اش دچار مخاطرات فراوان است و نمی‌تواند به مانند سایر افراد از امکانات یک شهروند معمولی بهره‌مند باشد.

این عملکرد بیانگر خصوصیت مشترکی در تمامی افراد است که قبول می‌کنند بدون درنظر گرفتن جوانب کار و اطمینان از آینده خویش به راهی ناشناخته قدم بگذارند و نشانگر آنست که تجربه‌های متعدد افرادی که واقعیت غرب را دیده‌اند نیز در این راه تأثیری ندارد و افراد به کار خود ادامه می‌دهند.

دوم: انگیزه‌های درونی:

شاید یکی از اندک جوامعی که با موضوع مهاجرت آشنا باشد، جامعه زرتشتی است. اساس شکل‌گیری دین با موضوع مهاجرت بوده است. بر اساس نوشته‌های در دسترس هنگامی که آشوزرتشت به پیامبری برگزیده شد نتوانست دین خود را در منطقه‌ای که ساکن بود گسترش دهد برای همین به دربار گشتاسب‌شاه مهاجرت کرد و در آنجا دین خود را در ابتدا به درباریان و سپس به تمامی مردم ارایه کرد.

جوان زرتشتی که امروزه تصمیم رفتن به آمریکا را در سر دارد، این نکته را بخوبی می‌داند که اگر امروزه اجتماع زرتشتیان ایران می‌تواند به‌خود افتخار کند مدیون روزگاری است که از همدینان خود در هندوستان بهره برده است. بر اساس قصه سنجان گروه کثیری از همدینان در نخستین سده‌ها از ورود به آمریکا دست به مهاجرت از این سرزمین زدند. آنها حتی خواری مقایسه با دانه‌های شکر و برنج را پذیرفتند اما امید داشتند که بتوانند در آن سرزمین زندگی جدیدی را برای خود آغاز کنند و اتفاقاً موفق هم شدند.

گونه دیگر مهاجرت شاید روزگار سخت زندگی زرتشتیان در یزد و کرمان باشد. این موضوع چندان دور نیست و دانش‌های زنده‌ای می‌تواند بازگوکننده‌ی تاریخ آن زمان باشد.

اگر با افراد مسن جامعه در این رابطه هم صحبت شوید خواهید دید که آن زمان حتی بیشتر از زمان فعلی خانواده‌ها نگران بوند و نمی‌خواستند که چنین روندی ادامه پیدا کند. چراکه معتقد بودند زندگی در تهران موجب فراموش

کردن سنت‌ها و آیین‌های زرتشتی می‌شود. هر چند که زندگی زرتشتیان در تهران هرگز بدینگونه نبوده و ایشان نیز آداب و رسوم دینی را کاملاً بجای می‌آورند اما دغدغه‌ها در روزگار قدیم تا حدی درست بود. به‌رحال به نظر می‌رسد مواردی که به عنوان انگیزه‌های درونی افراد در مهاجرت فعلی زرتشتیان وجود دارد، در کل ریشه تاریخی داشته و افراد با در نظر گرفتن گذشته خود را آزاد در انتخاب راه برای آینده می‌دانند. بنابراین بدون کمترین تلاشی در پی بردن به واقعیت‌های موجود از لحاظ بررسی‌های زمانی و مکانی کورکورانه دست به این انتخاب می‌زند و منتظر می‌ماند تا ببیند که چه پیش می‌آید!

منشا این رفتار:

تا به اینجا کوشش داشتم تا به بیان انگیزه‌های فرد نگاهی مختصر داشته‌باشم. اما از آنجا که موضوع مهاجرت فعلی تنها یکسری از افراد خاص در سطح طبقاتی مشخص آنچنان که روند مهاجرت سال ۱۳۵۷ صورت پذیرفت را در بر نمی‌گیرد و بین تمامی اقشار جامعه با هر گونه سطح دانش و آگاهی، سطح درآمد مالی، حضور اجتماعی و مکان زندگی جریان دارد بنابراین من به شخصه شرایط فعلی را یک تصمیم‌گیری شخصی و وابسته به نظر خود فرد نمی‌دانم بلکه باور دارم یک تعامل اجتماعی در حال جریان است. من در بیان این روند بار دیگر به انگیزه‌های درونی افراد باز می‌گردم و متذکر می‌شوم که از مهاجرت یک سابقه تاریخی و احیاناً فردی به همراه داریم. اجازه دهید به یک نمونه مشخص اشاره کنم تا بتوان درک بهتری داشت.

در جریان جلسات معارفه کاندیداهای نمایندگی مجلس در دوره اخیر که توسط هفته‌نامه امرداد برگزار شد تمامی کاندیدها در نظرانی مشابه به پرسش دوست خوبم کیوان هور درباره ارایه نظر برای مهاجرت به سابقه تاریخی آن اشاره کردند و روزگار مهاجرت پدران و یا خودشان را با شرایط امروز که دربرگیرنده نسلی جوان‌تر از آنان است را برابر می‌دانستند. به‌راستی آنان این شیوه رفتاری را مطابق با شرایط دانستند و البته به لزوم شکل‌گیری جریان‌های معکوس‌سازی تاکید می‌کردند.

اما این رفتار کاندیدها یک بازخورد مناسب به گذر زمان است در یادآوری روندی که زمانی خودشان حضور مفید در آن داشتند. آنگونه که شرایط می‌تواند این دید را پدید آورد که شاید رفتارهای فعلی به ارث رسیده از گذشته است. هر چند که معتقدم مجموعه عوامل گوناگون در بوجود آمدن این شرایط نقش داشته و دارد اما یکی از عوامل اصلی این فرآیند اجتماعی را وراثت می‌دانم. تحقیقات علمی و آکادمیکی در این رابطه یعنی رفتارشناسی و تایید این دیدگاه که واکنش‌های رفتاری برخاسته از پیشینه خانوادگی شخص است و وراثت در شیوه رفتار تاثیرگذار است، طی سه دهه اخیر در مراکز علمی جهان انجام شده است که در زیر به پاره‌ای از آن موارد اشاره می‌کنم.

پیش از آن این توضیح را بدهم که برای ارزیابی میزان تاثیرپذیری یک صفت از ژن یا محیط، در مطالعات دوقلوها را مورد بررسی قرار می‌دهند. به این وسیله یک متغییر یعنی ژنتیک را ثابت نگه داشته می‌شود و تاثیر عوامل محیطی بر رفتار یا صفت مورد نظر سنجیده می‌شود.

مقالات نیز که مجموعه کامل آن به زبان اصلی در پیوست آورده شده است، تماما از سایت معتبر www.pubmed.gov گرفته شده است که سایتی مرجع در زمینه جستجوهای پزشکی است.

نتایج تحقیقات علمی در زمینه رفتارشناسی انسان در برخورد وی با رفتاری خاص به این شرح است:

(۱) تغییر صفات بچه‌ها به والدین (phenotypic variation) چیزی است که در مطالعه‌ای در مارس ۱۹۸۰ مورد بررسی قرار گرفته و با بررسی ۱۲۸۹۸ دوقلو مشخص شده که حدود نیمی از این تغییر صفات بخاطر عوامل ژنتیکی است.

(۲) بسیاری از بیماری‌های روحی ارثی هستند. در مطالعه‌ای که در مارس ۱۹۸۶ در استرالیا انجام شده است، نتایج به دست آمده به این اشاره دارد که: برای نقش فاکتورهای ژنتیکی در سبب شناسی بیماری استرس و افسردگی و سایر شواهد محکمی وجود دارد. همچنین در مطالعات دیگر نیز به بیماری‌های روحی نیز اشاره شده است که بطور دقیق تحت تاثیر ژن است.

(۳) ژن و ژنتیک تاثیر اساسی بر یک جنبه از خصوصیات شخصی (که مجموعه ارزش‌های اخلاقی فرد است) دارد. این نتیجه با بررسی ۸۲۶ جفت دوقلو در واشینگتون در جولای ۱۹۹۲ ثابت شده است.

(۴) مطالعه‌ای در کانادا در سپتامبر ۱۹۹۶ شخصیت را به پنج بعد تقسیم کرده و میزان اثرات ژنتیک را بر این ابعاد بررسی کرده است. نتیجه این است: مجموعه ارزش‌های اخلاقی افراد به عنوان عامل تصمیم‌گیرنده به میزان بسیاری تحت تاثیر ژن است. در واقع در این مقاله بیان شده است که عوامل ژنتیکی بطور پایه و اساسی در این مورد نقش دارد. گرچه محیط نیز همواره در همه ابعاد تاثیر داشته است.

(۵) در مطالعه‌ای که بر روی دوقلوهای کانادایی در ژوئن ۲۰۰۱ انجام شده است و نتیجه‌گیری شده است که رفتارهای افراد (attitudes) به میزان زیادی تحت تاثیر ژن‌ها قرار دارد. در این مطالعه، ۳۰ موضوع و شیوه‌ی رفتاری مورد بررسی قرار گرفته و ۹ فاکتور و عامل رفتاری موثر بر این ۳۰ شیوه بررسی شده است. از این ۹ عامل، ۶ عامل بطور برجسته و واضحی تحت تاثیر ژن‌ها قرار دارد. و سر انجام در آخرین مقاله با بیانی شیوا به مورد مهمی اشاره می‌شود.

(۶) اتفاقاتی که در بزرگسالی برای افراد رخ می‌دهد در مطالعه‌ای در نوامبر ۱۹۹۹ در آمریکا، به دو نوع تقسیم شده است: **مستقل** یعنی اتفاقاتی که برای فرد رخ می‌دهد، **وابسته** یعنی اتفاقاتی که هم برای فرد و هم برای خانواده‌اش رخ می‌دهد. آنچه که نتیجه گرفته می‌شود این است که ژنتیک واسطه‌ای است بین اتفاقاتی که برای فرد می‌افتد و شخصیت او. یعنی اتفاقاتی که برای فرد رخ می‌دهد و تحت تاثیر شخصیت اوست، تحت نفوذ و اثر ژن‌ها و ژنتیک است.

مجموعه این تحقیقات بیان می‌دارد فرد تصمیم‌گیرنده در کنار تمامی عوامل محیطی نیز تحت تاثیر عامل درونی خود یعنی ژنتیک است. معنای دیگر این سخن آنست که رفتار مهاجرت می‌تواند یک رفتار وابسته به ژنتیک قلمداد شود. چرا که پژوهش‌ها این مورد را تایید می‌کنند که رفتارها منشا ژنتیکی دارند. در حقیقت آنچه‌ی که در اندیشه‌ی ما از مهاجرت پدران و مادرانمان در گذشته از مهاجرتشان از یزد و کرمان به تهران باقی مانده است، بنحوی به ما انتقال یافته است که می‌تواند زمینه‌ساز تصمیم فعلی مهاجرت باشد.

هر چند که نتایج این پژوهش‌ها را نیز می‌توان در جامعه خودمان بررسی کرد و یا حتی از ابتدا می‌توان به طرح موضوع و انجام پژوهش در آن باره پرداخت اما در این بین موضوعی نمی‌بایست از قلم جا بیافتد و آن این است که در این پژوهش برای بررسی نقش ژنتیک عامل محیط ثابت نگاشته شده است در حالی که در همین موضوع خاص (مهاجرت) این روند ثابت نیست و محیط هم جاذبه‌ای برای مهاجرت شخص محسوب می‌شود، چه بسیار افراد و یا خانواده‌ها که خود مهاجرت کرده‌اند و اگرچه نتوانستند در یک وضعیت مناسب و مطلوبی زندگی کنند اما شخص دیگری را تشویق به این امر می‌کنند. این مورد کاملاً به پیشینه شخص ارتباط دارد چرا که فرد اگر پیش زمینه قبلی از سیر مهاجرت نداشته باشد هیچگاه این چنین پیشنهادی را نخواست پذیرفت، اما آنچه که امروز شاهد آن هستیم این روند را ثابت می‌کند که اینگونه رفتارهای شتاب‌زده برخاسته از درونیات فرد است. البته بایستی به این موضوع نیز اشاره کنم که اگر هم نقش محیط و وراثت را در امر مهاجرت دخیل بدانیم، که نظر من است، باز هم موارد بیشتری از جمله تعامل افراد در اجتماع فعلی تعیین کننده عمل افراد خواهد بود که آسیب‌شناسی خاص خود را می‌طلبد.

نتیجه‌گیری:

سخن درباره مهاجرت بسیار است. جنبه‌های متعدد این قضیه تاکنون بارها مورد بررسی و تجزیه-تحلیل قرار گرفته است. نگرانی‌های بسیاری در این باره وجود دارد و اکثر افراد این نوع مهاجرت را خیانت به دین و اجتماع زرتشتیان ایران زمین می‌دانند. این دسته باور دارند که زندگی در جایی جز ایران ضمن از دست دادن زبان و فرهنگ زیبای ایرانی موجبات دوری از جامعه و آداب و سنن اجتماعی را پدید می‌آورد و البته ضربات جبران ناپذیر این اتفاق در نسل‌های بعدی بارزتر خواهد بود.

باری، در این مقاله تنها از یک دیدگاه به بررسی روند مهاجرت پرداختم. کوشش داشتم تا با بررسی رفتارشناسی جامعه در قبال این موضوع صورت مسئله‌ای تازه به این پرونده پرحجم بیفزایم و آن استفاده از تاریخ جامعه زرتشتی از گذشته‌ها تا زمان حال است. آنهم توسط بسیاری از مهاجرین که یا از آن دور بوده‌اند و یا برای آن (جامعه) اقدامی نکرده‌اند. آنها از گذشته استفاده می‌کنند، از جامعه بهره می‌برند تا این رفتنشان را از ایران بیشتر و بیشتر توجیه کنند. این دسته درصد قابل توجه‌ای از افراد که عمدتاً جوان هستند را در بر می‌گیرد. جوانانی که احتمالاً تمام اطلاعات دینی و اجتماعی آن روزگار را از پدر و مادر بزرگ‌های خود دارند. در این شرایط، به این یقین می‌رسیم که رفتار آنها نیز تابعی از شرایط محیطی و وراثتی‌شان است. آنگونه که در تحقیق‌های انجام یافته نیز به آن اشاره کردم، تاثیر گذاری ژن‌های رفتاری در نسل‌های بعدی. موضوع ثابت شده‌ای است که از آن نمونه‌های فراوانی در اختیار داریم. اما پرسش اینجاست که در قبال این رفتار چه باید کرد؟ پرسش را به صورتی بهتر اینگونه مطرح می‌کنم: اگر این شرایط در مهاجرت فعلی نقش دارد در مقابل این خصوصیت چه تدبیری باید بکار برد؟

برای جواب به این پرسش من از همان تحقیقات بهره می‌گیرم:

تحقیقی در سال ۱۹۹۹ در آلمان بر روی دو قلوها انجام شده است برای بررسی روش‌های گوناگون رفتاری که نتیجه این بوده است: تمامی رفتارها شواهدی را از تاثیر گذاری ژن‌ها نشان می‌دهد اما رفتارها وابستگی کامل با موقعیت‌های اجتماعی دارد: از ۱۹ شیوه رفتاری افراد که در موقعیت‌های گوناگون مورد بررسی قرار گرفته است،

۱۴ مورد تنها تحت تاثیر عوامل ژنتیکی بودند و ۳ مورد نیز مشترکا ژنتیک و محیط در انجام آن نقش داشته است و تنها ۲ مورد تحت تاثیر عوامل محیطی بودند. از این سخن اینگونه می‌توان دریافت که اکثر رفتارها وابسته به وراثت است. این رفتار در همین موضوع مهاجرت نیز وجود دارد.

راه‌حل:

حال راه‌حلی که من پیشنهاد می‌کنم تقویت رفتارها و موقعیت‌های اجتماعی افراد در جامعه است که باعث می‌شود تصمیم‌گیری اشخاص محدودتر شود. همچنین این شیوه باعث می‌شود که فرد بیشتر نگران نتیجه اقدامش باشد پس آگاهانه‌تر و منطقی‌تر تصمیم می‌گیرد. چراکه اساسا انسانها در ذهن خود محیط‌هایی که در آن پرورش یافته‌اند را شکل می‌دهند و از آن یاد می‌کنند. شیوه‌ی این شکل دادن و یاد کردن هرچند که تحت تاثیر ژن‌هاست (یعنی تصویری که افراد از محیطی که در آن پرورش یافته‌اند و در ذهن خود دارند تحت تاثیر ژن‌ها است)، اما این قابلیت نیز در آنها وجود دارد که خود را با محیط هماهنگ سازند. بگونه‌ای که می‌توان گفت ژن‌ها قابلیت هماهنگ‌سازی خود را دارند.

کوتاه سخن آنکه برای کم کردن میزان افراد مهاجر بایستی جاذبه‌های متعددی را در جامعه بوجود آوریم که خود شخص در انجام آن نقش اساسی داشته باشد. در حقیقت شخص ملزم به حرکت و اجرا در آن باشد تا بتوانیم اندکی سیر فعلی اجتماعی را تغییر دهیم در غیر اینصورت مهاجرت همچنان سیر صعودی خود را ادامه خواهد داد و تنها در قبال مخالفت با آن این پاسخ را خواهیم شنید که گذشته نیز اینگونه بوده است، پدران و مادرانمان نیز به تهران آمدند تا موفق شوند بنابراین ما هم باید برویم تا آیندگانمان موفق باشند.

از این موارد بهره گرفته شده است:

- ۱) قصه سنجان - سروده بهمن کیقباد - ویراستاریه هاشم رضی - انتشارات فروهر
- ۲) سایت تخصصی پژوهش‌های پزشکی www.pubmed.gov
- ۳) زرتشت مزدیسنا و حکومت - جلال‌الدین آشتیانی - شرکت سهامی انتشار
- ۴) اسطوره زندگی زرتشت - ژاله آموزگار + احمد تفضلی - نشر چشمه
- ۵) خاطرات ۳۶۵ روز سال - جمشید پیشدادی
- ۶) پژوهشی در مهاجرت - مهین دخت دهنادی - چاپ شده در امرداد زرتشتیان شماره ۱۱۸
- ۷) میزگرد مهاجرت در امرداد - بازنویسی سیما مهرآذر - چاپ شده در امرداد زرتشتیان شماره ۱۱۸
- ۸) متن سخنرانی‌های کاندیداهای نمایندگی مجلس - افلاطون ضیافت - خسرو دبستانی - کوروش نیکنام - فرامرز پوررستمی در نشریه امرداد دی و بهمن ۱۳۸۲
- ۹) گفتگوهای میدانی با همکیشان زرتشتی

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.